

نگاهی به دشواری‌های پژوهش در هنر اسلامی

سعیده رضایی پور*

درآمد

از گذشته‌های بسیار دور، هنر یکی از وسیله‌ها و راه‌های ارتباط میان فرهنگ‌های مختلف بشری بوده است. باتوجه به گسترش فوق‌العاده قلمرو هنر در ایران و در اختیار داشتن مجموعه‌های غنی و کامل آثار هنری گذشتگان، همواره ضرورت این امر حس می‌شود که به طور شفاف و جدی به بررسی و تحلیل و پژوهش در تمام رشته‌های هنری پرداخته شود. اگر چه یکی از آسیب‌هایی که امروزه اهل هنر بدان دچار شده‌اند، دور ماندن از حوزه پژوهش‌های تخصصی در هر رشته‌ی هنری است ولی پژوهشگرانی که قصد بررسی هنر این سرزمین را دارند، علاوه بر کمبود کتب و منابع با دشواریها و موانع بسیاری روبه‌رو می‌شوند. در این نوشتار، سعی بر آن است که بیشتر درباره موانع و مشکلات پژوهشگران در حیطه‌ی هنر اسلامی سخن گفته شود و در پایان، راهکارهایی هرچند اندک، برای حل و رفع این مشکلات بیان گردد.

واژگان کلیدی: هنر، پژوهش هنر، هنر اسلامی

* کارشناس ارشد پژوهش هنر



مقدمه

پژوهشهای جدی درباره هنر ایران از اوایل سده ی بیستم شروع شد و در دهه های اخیر وسعت قابل ملاحظه ای یافته است. بیشتر این تحقیق و پژوهش ها توسط مستشرقانی انجام و منتشر شده است که عمده توجه شان، سیر تاریخی، شیوه ها و جایگاه این آثار مطابق و منطبق بر اصول و روش های «تاریخ هنر» بوده است. کمتر پژوهشگری را می توان یافت که در یافته های خویش به معرفی عمق و باطن این هنر و ارزشهای والای آن پرداخته باشد. از این رو منابع و کتب اندکی درباره مضامین اصلی و زیبایی شناسی هنر ایران یافت می شود.

با ایجاد رشته های تئوری و نظری، مانند پژوهش هنر در دانشگاه ها در چند سال اخیر، نگاهی نو به هنر موجب شده که در این راستا پژوهشگران به مفاهیم ناگفته ای از هنر ایران بپردازند. اما برخی از مشکلات و موانعی که سر راه این محققان قرار دارد، به گذشتگان برمی گردد؛ زیرا آثاری که مورد پژوهش و کاوش آنهاست، بسیار پراکنده اند و دستیابی و دسترسی به همه ی آنها مستلزم سفرهای دور و دراز و رفت و آمدهای پیاپی به کتابخانه ها و موزه های جهانی و استمداد از کارشناسان است. مجموعه ای غنی و کامل از آثار هنری ایران در بزرگترین و مهمترین موزه های جهان جای دارد.

جز آنچه که گفته شد؛ دشواری های دیگری نیز در این راه وجود دارد؛ از آن جمله، کمبود آثار هنری به جای مانده است که فضاهای خالی در مسیر تاریخ هنری را وسعت می بخشد و دستیابی به ساختار کاملی از یک مکتب هنری را دشوار و یا غیرممکن می کند؛ مگر آنکه به یک نمونه ی تنها که از دستبرد روزگار مصون مانده است، اکتفا کنیم. محققانی که عزم دارند تا تحقیقاتی در حیطه ی هنر اسلامی داشته باشند، به جز آماده نبودن برخی از شرایط پژوهشی، با مشکلاتی که به تاریخ و گذشتگان بر می گردد روبه رو هستند. برخی از موانع و مشکلات، از این دست می باشند:

لشکرکشی های ویرانگر مغولان

عامل تخریب وسیعی که بیشتر کتب خطی و دستاوردهای فرهنگی و هنری مسلمانان را به نابودی کشانید، لشکرکشی های مخرب مغولان بود. بسیاری از سپاهیان مسلمان که در جنگها و غارتگری های داخلی، کتابها و آثار هنری را به غنیمت می بردند، چون از ارزش مادی آنها آگاه بودند، آنها را به قصد فروش حفاظت و نگه داری می کردند، اما مهاجمان ویرانگر و وحشی مغول، از هرچه نزد مسلمانان گرامی و مقدس بود بیزار بودند و علما و کتابها را بی ارزش می شمردند. شرح حال فجایع و غارتگری های مغولان در تاریخ ایران ثبت شده است. مغولان در دو مرحله به ایران حمله کردند و بر مراکز فرهنگی این کشور موج ویرانگری

را فرود آوردند. مرحله ی اول توسط چنگیزخان مغول و نوه اش هولاکوخان و مرحله ی دوم، توسط تیمور انجام گرفته است. در جریان ساختن حصارها و قلعه ها و کاخها و ساختمانهای دیگر و در حین آتش سوزیهای شهرها و مراکز فرهنگی و هنری آن زمان، بیشترین آثار هنری و نقوش دیواری که مورخان از آنها به عنوان نمونه های برجسته ی هنر اسلامی نام برده بودند، نابود شد.

کمبود اطلاعات درباره شرح حال هنرمندان و شیوه ی کار آنان، آگاهی و شناخت ما از شرح حال هنرمندان و شیوه ی کار آنان بسیار اندک است. با آنکه تذکره نویسی، یکی از مظاهر فعالیت ادبی در دنیای اسلام بوده است، اما هیچ کوشش وسیع و فراگیری در زمینه نگارش شرح حال هنرمندان نشده است. این فرضیه وجود دارد که در روزگار عناد با آثار هنری به خصوص آثار نگارگری، با هنرمندان و تصویرگران رفتار ملایم تری نشده است. برخی از این هنرمندان از بیم برخی تعصبات، حتی از ثبت نام خود بر آثارشان امتناع می ورزیدند و گاهی به صورت عبارتهایی مانند «کمترین بندگان»، تواضع خویش را نشان می دادند. در حالیکه در همان حیات فرهنگی آن زمان، خوشنویسان و خطاطان مورد تکریم و گرامیداشت قرار می گرفتند و نام خود را بر روی دستنوشته های خویش ثبت می کردند، اما نقاشان و معماران و هنرمندان صنعتگر گمنام می ماندند.

تاریخ و موضوع آثار

آثاری که تاریخ ترسیم آنها ثبت شده و به خصوص آثار نگارگری که نام و امضاهایی بر روی آنها دیده می شود، به تنهایی قابل اعتماد نیست و در برخی از آثار، شناسایی مشخصات آنها، می تواند از راه بررسی ویژگی های اثر با آثار مشابه امکان پذیر باشد. عاملی که بر این دشواری می افزاید این است که بعضی از آثار پس از تولید در دوره های مختلف تاریخ، شرحی بر آنها نوشته شده است که باعث سردرگمی پژوهشگران در شناسایی آثار می شود. برخی از تصاویر آثار هنری ایرانی که در موزه های خارج از کشور نگهداری می شوند، در سایتهای لاتین وجود دارد که گاهی تاریخ تولید اثر اشتباه است و بر اساس اطلاعات نادرست به دوره و مکتبی اطلاق شده است. بر این اساس، می توان بر این اسناد اکتفا نمود و پایه ی تحقیقات را بر اطلاعات مجهول بنا نمود.

تاراج میراث فرهنگی

علاوه بر معضلاتی که گفته شد، یکی از مهمترین مشکلات پژوهشگران، نبود آثار هنری در موزه های ایران است. آن دسته از آثاری که توسط گذشتگان حفظ و نگهداری شده و از بلایا و جنگها مصون مانده اند، در دوره های پیشین توسط افرادی به تاراج برده شده است. امروزه اگرچه کشور ما به لحاظ دارا بودن موزه های غنی و پُر بار، چندان جایگاه

این فرضیه وجود دارد که در روزگار عناد با آثار هنری به خصوص آثار نگارگری، با هنرمندان و تصویرگران رفتار ملایم تری نشده است. برخی از این هنرمندان از بیم برخی تعصبات، حتی از ثبت نام خود بر آثارشان امتناع می ورزیدند و گاهی به صورت عبارتهایی مانند «کمترین بندگان»، تواضع خویش را نشان می دادند.

از آنها به شدت در پی گردآوری این آثار برآمدند و اندک آثاری که از آسیبهای ناشی از جنگها و انقلابهای سیاسی در امان ماندند، در دوره های بعدی توسط شاهان بی کفایت ایران از دست رفته و به موزه های بیگانگان اضافه شدند.

نتیجه گیری

با وجود تمامی مشکلات و محدودیتها، همواره پژوهشگران به ارائه اندیشه و تفکر خود در باب هنر ایران به مخاطبان خویش اهتمام ورزیده اند. اما راهکارهایی از سوی بعضی ارگانها و مؤسسه ها نیز باید اندیشه می شود و برخی از مشکلات هموار شوند تا بتوان از این طریق، تمامی ابعاد و ویژگیهای هنر ایرانی در رشته های گوناگون و آثاری که دسترسی به آنها امکانپذیر نیست را مشخص و روشن نمود. یکی از این راهکارها که می تواند به رفع این مشکلات کمک کند، دایر کردن پژوهشگرانی با جذب نیروهای متخصص و کارآمد در هر شهر به صورت مجزا است تا هنر مناطق گوناگون به صورت تخصصی و فعالیتهای علمی و پژوهش های بنیادی و کاربردی انجام شود و در پی آن، زمینه فکری قوی در حوزه فرهنگ و هنر اسلامی ایجاد گردد. بحث دیگری که اکنون به آن توجه کافی نشده است، پایان نامه های دانشجویی رشته ی پژوهش هنر و بسیاری از مقالات نوشته شده توسط پژوهشگران است که قابلیت مکتوب شدن و عرضه به مخاطبان را دارد.

همانطور که پیش تر بیان گردید، یکی از موانعی که بر سر راه پژوهشگران قرار دارد، نبود آثار هنری در داخل کشور و نداشتن تصاویر، اطلاعات و مشخصات کافی مورد نیاز برای پژوهش است. برای حل اینگونه مشکلات نیز می توان با همکاری با موزه های خارج از کشور، آلبوم هایی از گنجینه های هنری ایران در هر رشته هنری به صورت مجزا جمع آوری کرد تا در دسترس محققان ایرانی قرار گیرد. حتی با فرستادن کارشناسان آگاه و متخصص به موزه ها و برگزاری همایش ها، سمینارها و گردهمایی های بین المللی با کشورهای مختلف، به اطلاعاتی درباره آثار هنری ایرانی اسلامی دست یافت.

در همه حوزه ها به ویژه فرهنگ و هنر، پژوهش مورد غفلت قرار گرفته است. حوزه پژوهش، حوزه تولید فکر، اندیشه و بروز خلاقیت حرفه ای نوین در عرصه فرهنگی است و اگر به آن پرداخته نشود، نمی توان به توسعه ی پایداری دست پیدا کرد. همواره توجه به هنر در ایران به صورت حسی بوده و به صورت تجربه ای زیبایی شناسی تلقی گشته است؛ درحالی که توجه توأمان به نکات تئوری و عملی هنر برای رشد آن، اهمیت بسزایی دارد. پژوهش های بنیادی و کاربردی درباره آثار هنری گذشتگان نیز به زمینه فکری قوی در حوزه فرهنگ و هنر اسلامی و رفع برخی معضلات کمک خواهد کرد.

رفیعی در دنیا ندارد، ولی سهم ما ایرانیان در غنی سازی و انباشتنی آثار تاریخی و فرهنگی در دیگر موزه های جهان بسیار چشمگیر است. دور از ذهن است که به موزه های معتبر در دیگر سرزمین ها به ویژه کشورهای استثمارگری همچون فرانسه، انگلیس، آمریکا و روسیه رفته و ویتزینها و گالریهای آنها را مملو از آثار ارجمند ایران و کهن یادگارهای نیاکامان ببینیم.

نفیس ترین مجموعه ها از آثار هنرهای ایرانی در موزه متروپولیتن نیویورک می باشد. موزه آرمیتاژ در لنینگراد، مجموعه کاملی از مجموعه فلزی دوره ساسانیان را در اختیار دارد. از این میراث گرانبها موزه های دیگری نیز بهره برده اند، مثلاً موزه هنرهای زیبا در بستان از نمونه های نقش برجسته و موزه فاگ در کمبریج از آثار هنر نساجی بهره برده و همینطور موزه فیلا دلفیا دارای قالیهای بسیار نفیس و مجموعه معماری است.

در خصوص نگهداری آثار هنری ایران در موزه های خارج از کشور، اغلب شنیده می شود که این آثار در موزه های خارج از کشور بهتر نگهداری می شوند و گر نه تا به حال از بین رفته بودند. وقتی به تاریخ آثار هنری موجود در موزه های خارج از کشور پی می بریم، این نکته روشن می شود که بسیاری از آنها قدمتی بیش از هزار سال دارند و از سویی تاریخ خروج این آثار از ایران به صد و چند سال اخیر باز می گردد. بر این اساس، این سؤال در ذهن انسان مطرح می شود که چگونه اجداد ما توانسته اند قرن ها از این آثار محافظت نمایند؟ تاراج وحشتناک میراث فرهنگی در کشور ما، عمدتاً از سده ی نوزدهم توسط هیئت های باستان شناسی فرنگی آغاز شد. اینگونه افراد به بهانه های مختلف وارد ایران شده و با خود دزدانه های میراث کشورمان را به کشورهای خود منتقل می کردند. در این میان نیز شاهانی بودند که به فروش آثار هنری پرداخته اند.

به طور مثال می توان، به سرنوشت یکی از شاهکارهای نسخ خطی ایران اشاره نمود. «شاهنامه سلطان ابوسعید» (معروف به دموت) مهمترین شاهکار به جای مانده از مکتب اول تبریز، در اواخر حکومت سلطان ابوسعید ایلخانی و وزیر او خواجه غیاث الدین محمد، فرزند وزیر مقتول، خواجه رشیدالدین، در بین سالهای ۷۳۱ الی ۷۳۶ ق در تبریز، احتمالاً زیر نظر احمد موسی و شاگردانش مصور شده و دارای ۵۸ مجلس است. آمده است زمانی که محمد علی شاه قاجار (۱۳۲۴-۱۳۴۳ ق) به مضیقه مالی دچار می شود، این شاهنامه ی نفیس را برای پرداخت پول عطر و لباس زنان می فروشد. به نقل از مارتین سوئدی، وقتی این شاهنامه توسط یک تاجر ارمنی در هتلی در پاریس در چمدانی فرسوده برای فروش آورده شده بود، آن را دیده است.

همزمان، در اواخر دوره ی قاجار (اواخر قرن نوزدهم میلادی)، توجه مجموعه داران آثار هنری فرنگی به آثار هنری کشورهای اسلامی از جمله ایران جلب شد و عده ای